ادامه از صفحه اول

در خدمت و خیانت مومیایی

وحشت از ویرانی خانه بناشده بر پایه‌های پوسیده و هراس از رفتن زیر سقفِ تازه و غریب.» پیشنهادِ روشنفکران از جمله نیما و هدایت در این میانه، چیزِ دیگری بود. بیراه نیست که برخی معتقدند «انقلابِ اصلی کار نیما و هدایت بود نه رضاشاه.» پیشنهادِ نیما در عرصه کلام مکتوب، تغییر ساختارها بود و هدایت یک‌جور ایده ایرانی‌بودنِ کار را در سر می‌پروراند، و بستر هر دو فرهنگِ گذشته بود و افزودن و پیراستنش، نه نفی و طرد آن. گذار از سنت به تجدد در تمام جوامع همواره حامل اضطراب بوده است، اینجا هم جامعه ما چنین تجربه‌ای را از سر گذارند، چنان که نیما در «افسانه»اش سرود: «زاده اضطرابِ جهانم». سرگردانی و هراس هدایت نیز در «بوف کور» و «سه‌قطره خون» پیداست.

اما، حدودِ یک قرن بعد، مومیایی رضاخان یا افسانه آن، جامعه را خطاب می‌کند. صادق زیباکلام، نویسنده همیشه‌معترضِ یادداشت‌های سیاسی و استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، از «عزت رضاشاه» و علاقه مردم به این شخصیت سخن می‌گوید. فراتر از این، او «عملکرد پهلوی اول را خواسته نخبگان و ملت ایران» در آن روزگار می‌داند و نخبگانِ آن دوران را شریک رضاشاه در خدمت و خیانتش می‌خواند و ملت را «مدیون شمشیر آغامحمدخان و چکمه‌های رضاشاه». او بارهاوبارها در سخنرانی‌ها و یادداشت‌های خود که می‌کوشد خلاف‌آمد باشد، از قدرومقامِ شامخ رضاخان در تاریخ معاصر ما گفته و در مقامِ تطهیر این دیکتاتور برآمده است، لابد با این ایده که این فیگورِ سیاسی بدیلی باشد برای وضعیت خمود سیاسیِ امروز ما، الگویی برای ادامه راه. این رویکردِ ارتجاعی، حکم به کارایی سیاسی شخصیتی تمام‌کننده می‌دهد و کاری ندارد به تعطیلِ آرمان‌های مشروطه از جمله حکومت قانون و تحدید قدرت و دموکراسی‌خواهی، در ازای ساختِ حکومتی به‌ظاهر مدرن برای ایران. زیباکلام و همداستان‌های او در سایه دفاع از نوسازی رضاشاهی و طرحِ سخنانی رادیکال در قبال مسائل سیاسی روز، بر طومارِ «نومحافظه‌کاری» در تاریخ ایران برگ‌های دیگری افزودند. مخالفانِ هرگونه تغییرِ جدی در ساخت‌های اجتماعی و نظمِ موجود، یا همان «مرتجعان» اگرچه بیشتر با انتقاداتِ تندوتیز به تغییرات و اصلاحات شناسایی می‌شوند، اما چنان‌که آلبرت هیرشمن، در کتاب «خطابه ارتجاع» نشان می‌دهد، مفهومِ «ارتجاع» سویه‌های دیگری نیز دارد. مدافعان تزهای ارتجاعی، در طول تاریخ بیشتر محافظه‌کاران بوده‌اند؛ آنان با داعیه‌های به‌ظاهر رادیکال در برابر هرگونه تغییر و اصلاحات اساسی می‌ایستند و گویا بنا دارند عقربه زمان را به عقب برگردانند. هیرشمن جریان ارتجاعی را در سه تز «انحراف»، «بیهودگی» و «مخاطره» صورت‌بندی می‌کند که عصاره آن چنین است: طبقِ تز انحراف، هرگونه اقدام هدفمند برای بهبود وضعِ موجود تنها به وخیم‌ترشدنِ اوضاع می‌انجامد. تز بیهودگی، رأی به عبث‌بودنِ دگرگونی‌های اجتماعی می‌دهد، و دست‌آخر تز مخاطره، مدعی است که هزینه هر تغییر چنان گزاف است که نمی‌ارزد. مرتجعان اما گاه با تشبث به ایده‌های ترقی‌خواهانه، در جلدِ نمایندگانِ جامعه مدنی فرومی‌روند، حال آنکه با رمزگشایی از ایده‌های آنان می‌توان به واقعیتِ پنهان این ایده‌ها دست یافت. در شرایطی که جریانِ اصولگرا و مقابلِ امثال زیباکلام، از رئیس‌جمهورِ نظامی دَم می‌زنند، دفاع از الیگارشی رضاخانی، روی دیگر سکه رئیس‌جمهور نظامی است. این‌دست ایده‌ها، در عینِ دفاع از برهه‌ای از تاریخ، در خدمتِ حفظ وضع موجود است. چنان‌که در «انکشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان» نوشته آ. سلطان‌زاده آمده است، رضاخان، نمادِ «بورژوازیِ کمپرادور» در ایران و متحد تمام‌عیارِ انگلیس‌ها و عامل اجرای قرارداد ۱۹۱۹، در ابتدا با داعیه «جمهوری‌خواهی» پا به میدان سیاست گذاشت و در برابر قاجاریه به مبارزه پرداخت و برای جلب نظر روشنفکران و انقلابیون نقاب جمهوری‌خواه بر چهره زد، اما دیری نپایید که با حمایتِ انگلیس‌ها و با هدفِ جلوگیری از نفوذ بلشویسم در ایران، بر تخت سلطنت نشست و ناگزیر، نقاب از چهره انداخت. سرکوب شدید و گسترده مخالفان از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، به‌شرحی که کشتار و شدت و حدتِ آن در تاریخ آمده است، حقیقتِ این «قهرمان ملی» را افشا می‌کند. قهرمانی که به‌قولِ آ. سلطان‌زاده «دربست در دست ارتجاع بود.» خصلتِ ارتجاعی رویکرد زیباکلام، در داستانِ «آذری غریبِ» او که از قضا در آستانه سال هشتادوهشت درآمد، خود را بیشتر عیان می‌کند. داستان با این جمله آغاز می‌شود: «هنوز هر بار که وارد کریدورهای دانشکده حقوق و علوم سیاسی می‌شوم و از پله‌های قدیمی که از زمان رضاشاه تابه‌حال خم به ابرو نیاورده‌اند بالا می‌روم...» باقی داستان بماند، همین تک‌جمله نشانگر تلقی زیباکلام از رضاخانی است که در خدمت به خلق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را بنا کرد که البته، شقِ دوم این تلقی تنها چند سال بعد دیگر حتا معنای استعاری خود را از دست داد، چه‌آنکه در بنای کهنِ این ساختمان ترکی افتاد و چند سالی آن را به تعطیل کشاند و مرمت آن تا هنوز هم ادامه دارد، بگذریم. در جایی از داستان، استاد -که صادق زیباکلام باشد- خطاب به «افضل»، دانشجوی آذری‌اش که در پی‌شناخت «هستی» است، می‌گوید از فلسفه دست بردارد و از قول مارکس می‌آورد که مهم شناخت هستی و جهان نیست، بلکه مهم تغییر آن است! «همین یک حرف مارکس را قبول کن.»

ادامه در صفحه ۶

گزارش «شرق» از شیوه‌های جدید مؤسسات کاریابی غیرمجاز

کسب درآمد از بی‌کاران

شرق: در صفحات نیازمندی‌ها هر روز می‌توان به چندین مورد آگهی کاریابی رسید. آگهی‌هایی که کارکرد آنها در دوره بحران بی‌کاری بیشتر شبیه معجزه است؛ استخدام صددرصدی نیروی کار بدون سابقه، با پرداخت حقوق و پاداش مکفی. در وضعیت اقتصادی که نرخ بی‌کاری بیش از ۱۱ درصد و در برخی استان‌ها به بالای ۱۸ درصد می‌رسد، این پیشنهاد برای هر جوینده کاری بسیار جذاب و امیدبخش است. اما آن سوی ماجرا کسانی هم هستند که از سونامی بی‌کاری درآمد کسب می‌کنند. مؤسسات کاریابی که طبق مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار قرار بود واسطه‌ای میان جوینده کار و کارفرما باشند، اکنون تحت عنوان مؤسسات کاریابی غیرمجاز تبدیل به یک منبع درآمد شده‌اند. شما به امید پیداکردن شغل باید مبلغی پول در ابتدا به آنان پرداخت کنید و در نهایت نه تنها شغلی نصیبتان نمی‌شود بلکه پول خود را هم از کف داده‌اید.

پسری ۲۳ساله که تازه خدمت سربازی‌اش تمام شده است، می‌گوید مدت زیادی است دنبال کار هستم اما پیدا نمی‌کنم. همه دنبال سابقه کار هستند. بین صفحات نیازمندی‌ها به یک آگهی برخوردم که نوشته بود نیاز به یک کارگر ساده داریم، حقوق بر مبنای وزارت کار، بیمه، عیدی و سنوات. همه شرایطش عالی بود، فورا تماس گرفتم. گفتند لازم نیست سابقه کار داشته باشید. همان روز به آدرس آگهی رفتم. ساختمان کوچکی بود در بزرگراه یادگار امام. از صحبت‌ها متوجه شدم در این ساختمان قرار نیست به عنوان یک کارگر ساده مشغول به کار شوم. کارشناس پشت میز توضیح داد: «شما از دو روز دیگر مشغول به کار می‌شوید. از روز اول شما را بیمه می‌کنیم، حقوق شما براساس پایه حقوق وزارت کار پرداخت می‌شود و حق عیدی و سنواتتان هم محفوظ است». برای کسی که هیچ سابقه کاری ندارد و ماه‌هاست در جست‌وجوی کار است شرایط ایده‌آلی بود. دستگاه کارت‌خوان خود را روبه‌رویم قرار داد و در حالی که داشت مشخصاتم را روی فرم استخدام می‌نوشت، گفت: شما مبلغ ۱۰۰ هزار تومان هم پرداخت می‌کنید و مابقی کارمزد کاریابی را با اولین حقوق دریافتی خود می‌توانید بپردازید. با خودم فکر کردم تمام‌شدن این روزهای بی‌کاری صد هزار تومان می‌ارزد. چند نفر هم قبل از من همین پول را پرداخت کردند و فکر کردم حتما روال کار همین است. پول را پرداخت کردم و گفتند فردا تماس می‌گیرند. تماس نگرفتند، خودم زنگ زدم و توضیح دادند که مشخصات شما برای چند شرکت فرستاده شده، به محض نیاز نیروی کار به شما اطلاع می‌دهیم. الان ۲۰ روز است که بعد از هر تماس همین توضیحات را می‌دهند و دیروز هم وسط مکالمه تلفن را قطع کردند.

این روایت تجربه یکی از کسانی بود که به امید پیداکردن شغل جذب قول و ضمانت‌های کلامی مؤسسات کاریابی شده بود. اما این تجربه به این فرد و این مؤسسه محدود نمی‌شود. به گفته داوود عسگری، دبیر انجمن صنفی کاریابی‌های استان تهران بیش از ۲۰۰ مؤسسه کاریابی غیرمجاز مشغول به فعالیت هستند، مؤسساتی که نام آنها به عنوان مؤسسه کاریابی مجاز در سایت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی ثبت نشده است اما فعالیت آنها غیرقانونی نیست و هیچ نهادی متولی نظارت و کنترل این مؤسسات نیست. مدتی پیش وزارت کار با راه‌اندازی سایت karyabi.mcls.gov.ir تلاش کرد با معرفی مؤسسات کاریابی مجاز در استان‌های مختلف کشور وضعیت این مؤسسات را سامان ببخشد اما با وجود این همچنان مؤسسات کاریابی به شکل فزاینده‌ای مشغول به کار هستند. همچنان که در روایت تجربه یکی از جویندگان کار اشاره شد، این مؤسسات حتی در قالب آگهی استخدام افراد را جذب می‌کنند.

وزارت کار برای جلوگیری از سوءاستفاده این مؤسسات غیرمجاز اعلام کرده افراد برای طرح شکایت به این وزارتخانه یا قوه قضائیه مراجعه کنند و در صورت شناسایی این مؤسسات در فضای مجازی به پلیس فتا آن را معرفی کنند اما با وجود بوروکراسی حاکم آیا کسی که دنبال کار است، امید پیگیری و دریافت مبلغ پرداختی خود به این مؤسسات غیرمجاز را دارد؟ زهرا کریمی، کارشناس حوزه کار معتقد است این مؤسسات از استیصال جویندگان کار استفاده کرده و یک منبع درآمد برای خود ایجاد می‌کنند اما این وظیفه وزارت کار به عنوان متولی امر است که جلوی رشد و فعالیت این مؤسسات را بگیرد و نمی‌توان کنترل این مؤسسات را به اراده افراد مستأصل و گرفتار در بحران عمیق بی‌کاری محول کرد. این کارشناس بازار کار توضیح داد: جای تأسف دارد که افرادی تحت عنوان مؤسسات کاریابی غیرمجاز از استیصال جویندگان کار سوءاستفاده کنند، بدون آنکه خدمتی ارائه کنند. چندسالی است وزارت کار از گسترش فعالیت کاریابی‌های خصوصی حمایت می‌کند.

او اضافه کرد: انتظار می‌رود مؤسسات کاریابی در ابتدا هیچ پولی از مراجعه‌کننده دریافت نکنند و بعد از پیداشدن شغل حق کارمزد خود را به صورت اقساط از حقوق دریافتی مراجع دریافت کنند اما متأسفانه حتی در مؤسسات کاریابی مجاز هم ما شاهد این هستیم که قبل از پیداشدن شغل مبلغی را از جوینده کار اخذ می‌کنند.

زهرا کریمی معتقد است این وظیفه حمایتی وزارت کار است که سازوکار مؤسسات کاریابی را کنترل کند و جلوی فعالیت مؤسسات کاریابی غیرمجاز را بگیرد.

البته تمهیدات قانونی برای جلوگیری از فعالیت مؤسسات کاریابی غیرمجاز در نظر گرفته شده است. رئیس گروه کاریابی‌های داخلی ایران درخصوص جرائم مؤسسات کاریابی غیرمجاز در کشور، اعلام کرده که مؤسسات کاریابی غیرمجاز در صورت شناسایی برای بار اول، علاوه بر پلمب دفتر کار و اخذ تعهد، مبلغ ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی می‌شوند، به طوری که تکرار این موضوع در نوبت دوم و سوم تخلف به ترتیب ۲۵۰ میلیون ریال و ۴۰۰ میلیون ریال جریمه خواهد داشت. اما این مندرجات قانونی هم بدون گسترش دامنه نظارتی و بازرسی از سوی وزارت کار نتوانسته مانعی بر سر فعالیت و رشد مؤسسات کاریابی غیرمجاز باشد.

در حال حاضر ۸۰۰ مرکز مشاوره شغلی و کاریابی داخلی و حدود ۱۱۰ کاریابی خارجی در سطح کشور به صورت مجاز فعالیت می‌کنند و متقاضیان باید از طریق سایت وزارت کار کاریابی‌های مجاز داخلی و خارجی را استعلام کنند.

زنگ‌ها برای چه کسانی به صدا درآمده‌اند؟

نابرابری‌های اجتماعی و مالیات

غلامحسین دوانی . کارشناس ارشد مالیاتی

مالیات ابزار سیاست‌های مالی برای مقابله با نابرابری و توزیع مجدد عادلانه ثروت است. حتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که ابزار اعمال سیاست‌های نئولیبرالی هستند، در دو دهه گذشته موضوع افزایش درآمدهای دولت‌ها در کشورهای غیرتوسعه‌ای را از طریق حذف معافیت‌های مالیاتی و امتیازات دیگر و نیز دریافت مالیات از مؤسسات فعال در مناطق آزاد و ناطق موسوم به بهشت مالیاتی را مطرح کرده‌اند. گزارش نابرابری جهان و گزارش ثروت جهانی که همه‌ساله از سوی مؤسسه سوئیس کردیت منتشر می‌شود، نشان‌دهنده عمق نابرابری جهان بوده؛ به‌طوری‌که ثروت ۴۵ نفر در آلمان بیش از ثروت نیمی از جمعیت آلمان یا ثروت هشت نفر در جهان بیش از ثروت نیمی از جمعیت فقیر جهان است!؟ این تحقیق نشان داده که مجموع ثروت جهان ۲۸۰ تریلیارد دلار و مجموع بدهی جهان ۲۳۳ تریلیارد دلار است که حدود ۴۵ درصد آن متعلق به ایالات متحده آمریکاست.

از طرف دیگر گزارش اخیر نشریه فوربس (ارگان یک‌درصدی‌های جهان)، نشان‌دهنده آن است که در دهه گذشته که فقر بین مردم ایران توزیع شده، تعداد میلیونرهای ایرانی که در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۱۰،۱۰۰ نفر بوده، در سال فروپاشی اقتصاد (۲۰۱۴) به ۳۲،۱۰۰ نفر رسیده است که ازجمله علائم این تعداد ثروتمندان ساخت‌وسازهای ضدتوسعه شهری در دامنه البرز و غرب تهران است. بدون‌شک بخش اصلی اینان همان بزرگ بدهکاران بانکی هستند که با سوءاستفاده از منابع بانکی و پول سپرده‌گذاران به کام خود می‌رسند. این آمار وقتی معنی پیدا می‌کند که بدانیم براساس گزارش بانک مرکزی در سال گذشته ۲۶،۶ درصد خانوارهای ایرانی حتی یک نفرشان در سال ۱۳۹۵ مشغول کار نبوده که الزاما این درصد در سال ۱۳۹۶ بیشتر هم شده است.

مطالعات و گزارش‌ها بسیار مؤید این واقعیت است که جامعه ناخوش‌احوال اقتصادی ایران بهشت ثروتمندان بی‌هویتی است که به لطف سیاست‌های مالی دولت‌های گذشته به‌ویژه دولت‌های نهم و دهم با استفاده از رانت و ویژه‌خواری و در سایه نظام مالیاتی نامناسبی که مالیات بر ثروت، املاک و ساخت‌وساز تقریبا هیچ است، به انباشت ثروت دست یازیده‌اند، آن‌گاه نمایندگان مجلس به نام حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مالیات حقوق‌بگیران را تا سقف ۳۵ درصد افزایش، اما مالیات صاحبان مشاغلی را که اغلب میلیاردی هستند، در همان سقف ۲۵ درصد مصوب کردند تا به اصطلاح با حقوق‌های نجومی مقابله کنند.

متأسفانه دولت کنونی نیز تحت شعار راه‌اندازی تولید عملا نابرابری در بازار را تشدید کرده که این نابرابری حاصل سیستم مالی مبتنی بر رانت بوده که شکاف درآمدی در جامعه را تشدید که حاصل آن افزایش ضریب جینی (که معیاری است برای نابرابری در درآمدها) بوده است.

اگر قرار باشد مالیات برای سیاست‌های مالی برای توزیع مجدد ثروت، انسجام و عدالت اجتماعی باشد، باید ساختار مالیاتی کشور به نفع جامعه کار و تولید بازنگری از طریق افزایش سهم اشخاص (حقیقی یا حقوقی) که خود را نخبه می‌دانند؛ اما ملت آنان را پخمه می‌دانند، در نظام مالیاتی عادلانه مستقر شود؛ زیرا درحال‌حاضر سهم درآمد مالیاتی عیاران چابک‌سوار و پاساژداران میلیاردی کمتر از سهم حقوق‌بگیران است. این گروه تحمیل‌شده به جامعه کار و تولید یا همان یک‌درصدی‌ها در همه جای دنیا از یک شعار مالیاتی تبعیت می‌کنند که می‌گویند مالیات بر ثروت، املاک و مستغلات و سهم‌بازی ناچیز یا معاف اما مالیات کار و تولید تاآنجاکه جامعه کار و تولید نیازمند نان شب!؟

بررسی درآمدهای مالیاتی چندساله اخیر که رو به رشد هم بوده، بیانگر معافیت‌های مالیاتی سخاوتمندانه و بخشش‌های کلان و نیز شانه‌خالی‌کردن صاحبان بیشترین ثروت از پرداخت مالیات هستند که دلیل این موضوع سیاست‌های مالی دولت‌ها به‌مثابه سخنگویان یا زیرنفوذان این به‌اصطلاح نخبگان هستند که علاوه بر گشاده‌دستی معافیت‌ها و رانت‌ها از طریق گسترش اقتصاد غیررسمی (اقتصاد سیاه) در برابر هر تحول به سمت سیستم‌های مالیاتی کارآمدتر که به توزیع مجدد و عادلانه‌تر ثروت کمک کنند، مانع ایجاد می‌کنند. بدیهی است پایداری ساختارهای اجتماعی هرمی و مهم‌تر از این، نفوذ خارق‌العاده نخبگان و حفظ تسلط آنها بر مراکز خاص است که موقعیت دیکته‌کردن سمت‌گیری‌های کلان اجتماعی و مالی و حتی انتصاب منسوبان فکری آنان را در مناسب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به آنها می‌دهد.

برای فروکاستن نابرابری‌های اجتماعی که نشانه‌های بارز آن در مشکلات اقتصادی اخیر ظهور کرده، باید ثروت جامعه با درپیش‌گرفتن برخی سیاست‌های اجتماعی با هدف کاستن از فقر و نابرابری، مجددا توزیع شوند و مالیات‌های جدیدی با تمرکز بر سودهای مرتبط با سوداگری در املاک و مستغلات و صادرات مواد خام تدوین شوند تا به جای توسعه صادرات ثروت کشور، تولید جایگزین شود؛ امری که در چین هم محقق شده است. مالیات باید به‌عنوان اهرم اصلی سیاست‌های مالی در مقابله با نابرابری‌های اجتماعی از طریق اخذ مالیات سنگین از سوداگری در بازار پول و سرمایه و مسکن و ثروت ناشی از ارث و سفته‌بازی که موجبات تولید ژن خوب را فراهم می‌کنند، به کار گرفته شود تا در جوار سایر سیاست‌های اقتصادی مناسب چرخ شکسته اقتصاد را ترمیم و بهبود بخشد؛ زیرا تنها با اصلاحات ساختاری مالی و مالیاتی علاوه بر کاهش سطح نابرابری می‌توان ضریب جینی را بهتر کرد و این امر مستلزم افزایش درآمدهای مالیاتی برای افزایش درآمد دولت، کاستن از کسر بودجه و تأمین مالی اقدامات اجتماعی مناسب در دو بخش آموزش و بهداشت عمومی خواهد بود. نارسایی‌های نظام مالیاتی کشور در واقع ناشی از بازگشت یا ماندگاری دولت‌ها و مسئولان در ادوار مختلف بوده و تصویب مالیات به ارزش افزوده که بیشترین سهم درآمدی را در مالیات کشور داشته، عملا بر دوش مصرف‌کنندگان یا مردم قرار گرفته است.

مبارزه علیه گریز از پرداخت مالیات می‌تواند عکس‌العمل دیگری در برابر کسری بودجه دولت‌ها باشد؛ ولی ظاهرا در اولویت نیست. میلیاردرهای ایرانی و بزرگ بدهکارانی که هویت‌شان نیز بر ملت روشن نیست، وقتی می‌بینند در دو دهه گذشته که معیشت خانوارهای ایرانی سقوط کرده؛ اما ثروت یک‌درصدی‌ها (اشخاص حقیقی و...) چندین برابر سریع‌تر از نه‌تنها اقتصاد ایران؛ بلکه حتی از اقتصادهای منطقه رشد کرده، از عمده کسانی هستند که بیشترین بهره را از این تسهیلات فراخ (رانت) با توسل به نیرنگ و... برای گریز از تعهداتی که بر عهده‌شان است، به کار برده‌اند. نمونه‌های بارز این نابرابری‌ها توسعه بی‌شمار فروشگاه‌های برند در شمال شهرهای بیشتر شهرهای کشور است.

بدیهی است، نابرابری‌ها در توزیع مجدد ثروت، نابرابری‌های حاکم بر توزیع اولیه آن را پنهان می‌کند؛ نابرابری‌هایی که به‌تدریج چنان ابعادی می‌یابند که رفع و رجوع‌شان با سیاست‌های مالیاتی به‌تنهایی بیش‌ازپیش دشوار می‌شود. اینجاست که این پرسش کلیدی مطرح می‌شود «آیا تغییر این وضعیت بدون تحمیل مشارکت بیشتر به ثروتمندترین‌ها امکان‌پذیر است؟» و آیا اساسا وقتی باقی مانده تا بتوان چتر اصلاحات مالی -مالیاتی را بر جامعه مستولی کرد؟ و اگر قرار باشد این اصلاحات صورت گیرد، آیا کارگزاران فعلی شایستگی اجرای آن را دارند؟

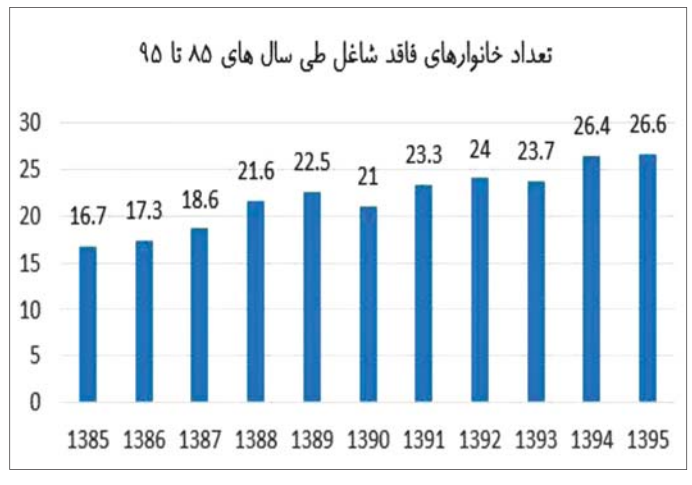

رشد میلیاردرها در خاورمیانه

	رشد (درصد)	تعداد (هزارنفر) ۲۰۰۰	تعداد (هزارنفر) ۲۰۱۴
قطر	۳۱۱	۹.۵	۳۹
ایران	۱۹۴	۱۰.۹	۳۲.۱
امارات	۱۷۵	۲۶.۲	۷۲.۱
کویت	۱۶۳	۱۴.۸	۳۸.۹
اردن	۱۵۲	۲.۵	۶.۳
عمان	۱۴۳	۵.۳	۱۲.۹
عربستان سعودی	۱۴۱	۲۴.۵	۵۹
ترکیه	۱۳۵	۴۲.۷	۱۰۰.۲
لبنان	۸۶	۷.۶	۱۴.۱
اسراییل	۶۵	۴۳.۴	۷۱.۷
بحرین	۵۸	۶	۹.۵

خبر

عبور ذخایر ارزی ایران از ۱۰۸ میلیارد دلار

● صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود از شاخص‌های کلان اقتصاد ایران پیش‌بینی کرد ذخایر ارزی ایران در سال جاری با افزایش ۱۳،۳ میلیارددلاری به بیش از ۱۰۸ میلیارد دلار برسد. به گزارش تسنیم، صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود از سلسله گزارش‌های موسوم به چشم‌انداز اقتصادی خاورمیانه پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی ایران در سال جاری به چهار درصد و نرخ تورم به ۱۲،۱ درصد برسد. این نهاد بین‌المللی رشد اقتصادی ایران را در سال گذشته ۳.۴ درصد و نرخ تورم ایران در این سال را ۹،۹ درصد محاسبه کرده است. براساس این گزارش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۴۳۱،۹ میلیارد دلار بوده که پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۱۸ به ۴۱۸،۹ میلیارد دلار کاهش یابد. این نهاد بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرده رشد بخش غیرنفتی ایران از چهار درصد در سال ۲۰۱۷ به ۳،۸ درصد در سال جاری کاهش یابد. رشد بخش نفتی ایران نیز از ۵،۲ درصد در سال قبل به ۴،۶ درصد در سال جاری کاهش می‌یابد. ایران در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۳،۸ میلیون بشکه در روز نفت تولید و ۲،۴۶ میلیون بشکه در روز نفت صادر کرد و پیش‌بینی شده است تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۸ در سطح ۳،۸ میلیون بشکه در روز باقی بماند اما صادرات نفت به ۲،۶۶ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند. تولید گاز ایران نیز در سال ۲۰۱۸ معادل ۵،۳۲ میلیون بشکه در روز و صادرات گاز در همین سال معادل ۰،۲۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

قول بانک مرکزی برای جبران سود ۲۰ درصدی اوراق

● با وجود گذشت حدود دو ماه از وعده بانک مرکزی برای جبران زیان بانک‌ها در انتشار اوراق گواهی سپرده ۲۰ درصد، مدیران بانکی می‌گویند تاکنون دراین‌باره اقدامی نشده است. به گزارش ایسنا، انتشار اوراق گواهی سپرده در بهمن ماه سال قبل و به مدت دو هفته با هدف جذب نقدینگی به سمت شبکه بانکی و ایجاد تعادل در بازار ارز در بانک‌ها صورت گرفت. بانک مرکزی در اقدامی نرخ سود اوراق گواهی سپرده را با پنج درصد بالاتر از سود سپرده موجود در شبکه بانکی (۱۵درصد) حدود ۲۰ درصد تعیین کرد. در دو هفته‌ای که اوراق منتشر شد، نزدیک به ۲۴۰ هزار میلیارد تومان در بانک‌ها فروش رفت و به اذعان مدیران بانک مرکزی عمده این فروش به تبدیل وضعیت حساب‌های ۱۵ درصد یا حساب‌هایی که به پایان سررسید نزدیک بودند، برمی‌گردد و کمتر موجب جذب سپرده جدید که هدف اصلی انتشار اوراق بود، منتهی می‌شود. به هر صورت انتشار ۲۴۰هزارمیلیاردی اوراق که اختلاف پنج درصدی با سود بانکی داشت، با سررسید یک‌ساله موجب می‌شود که بانک‌ها ۱۲ هزار میلیارد تومان بالاتر از سودی که به سپرده ۱۵ درصد پرداخت می‌کرده‌اند، بپردازند. در این حالت این زیان منبع تعریف‌شده‌ای ندارد؛ چراکه در حالت عادی سود سپرده از سود تسهیلات که بانک‌ها پرداخت می‌کنند، تأمین می‌شود؛ بنابراین با توجه به اینکه درحال‌حاضر سود تسهیلات ۱۸ درصد و سود این اوراق ۲۰ درصد است، در اتفاقی عجیب سود سپرده بالاتر از تسهیلات قرار گرفته که موجب زیان بانک‌ها می‌شود.

مناقصه عمومی دو مرحله ای تأمین
LINDE P/F Laden Container Handler
توام با ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت پتروشیمی جم درنظر دارد تأمین
LINDE P/F Laden Container Handler مورد نیاز مجتمع خود را براساس شرایط مندرج در مدارک و اسناد و از طریق مناقصه، به تأمین کننده واجد شرایط واگذار نماید.
- شماره مناقصه: 97-JPC-05
-دستگاه نظارت: اداره تعمیرات شرکت پتروشیمی جم
-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (یکصد و پنجاه میلیون) ریال
-سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج می باشد.
-شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
-دریافت اسناد: تأمین کنندگان واجد شرایطی توانند پس از انتشار آگهی دردو نوبت، نسبت به دریافت اسناد مناقصه با در دست داشتن معرفینامه و کارت شناسائی، تا پایان وقت اداری روزشنبه(ساعت ۱۶/۰۰) مورخه ۹۷/۰۲/۲۲(به آدرس دفتر مرکزی شرکت پتروشیمی جم واقع در تهران، طبقه سوم،بخش مناقصات واحد تدارکات) اقدام نمایند.
-تحویل پاکات: اسناد مناقصه بایستی توسط اشخاص مجاز تکمیل، امضا و ممهور شود و حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه(ساعت ۱۶/۰۰) مورخه ۹۷/۰۳/۰۷ نسبت به تحویل پاکاتالف، ب، ج و د(ارزیابی کیفی) بصورت یکجا و در پاکات جداگانه به دفتر کمیسیون معاملات واقع در دفتر مرکزی طبقه چهارم اقدام نمایند.
بدیهی است به پیشنهاداتی که پس از این تاریخ ارائه گردد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد. همچنین درصورت کسب امتیاز لازم در ارزیابی ها نسبت به افتتاح پاکات مالی اقدام می گردد
-نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی، روبروی شهرداری منطقه ۶، پلاک ۲۷
-تلفن تماس : ۷-۸۸۶۵۶۴۸۲-۰۲۱ -نمابر: ۸۸۷۷۱۴۲۶-۰۲۱
تأیید وصول نمابر: ۸۸۶۵۴۵۴۵ داخلی ۱۳۲ و ۱۳۳
روابط عمومی پتروشیمی جم